

بررسی و ارزیابی آرای مفسران اهل سنت درباره روایات آیه رجم

محمد باقریان^۱، رسول محمد جعفری^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۶/۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۸/۲۹)

چکیده

یکی از مسائل چالش‌انگیز در مطالعات قرآنی و حدیثی، روایاتی هستند که بر تحریف آیات قرآن اشاره دارند. از معروف‌ترین آن‌ها، روایاتی هستند که از قرآنی بودن آیه موسوم به «رجم» سخن می‌گویند. بسیاری از مفسران اهل سنت، ضمن گزارش و پذیرش این روایات، نظریه نسخ التلاوه را مطرح نمودند. یافته‌های پژوهش حاضر حکایت از آن دارند: ۱. از مجموع ۵۸ تفسیر اهل سنت که روایات را گزارش کرده‌اند، سه رویکرد وجود دارد: الف) نسخ تلاوت و عدم نسخ حکم: ۴۰ تفسیر، ب) گزارش روایات بدون بیان نظر: ۱۲ تفسیر؛ ج) تشکیک در صحت روایات: ۶ تفسیر؛ ۲. وجه مشترک اسناد همه روایات، ختم آن‌ها به صحابی است و احتمال اعمال نظر صحابه وجود دارد؛ ۳. محتوای روایات آیه رجم با ادله قرآنی، روایی، فقهی، عقلی و ادبی در معرض نقد هستند؛ ۴. به نظر می‌رسد روایات آیه رجم ریشه در تورات داشته و به مصادر اسلامی راه یافته است.

واژگان کلیدی: آیه رجم، تحریف قرآن، تورات، مفسران اهل سنت، نقد سندی، نقد محتوایی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد؛

Email: bagherian.mqmb@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)؛

Email: r.mjafari@shahed.ac.ir

طرح مسئله

قرآن، آخرین کتاب آسمانی است که خداوند برای هدایت انسان‌ها بر آخرین پیامبر، رسول اکرم (ص) فرو فرستاد تا آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور رهنمون سازد: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» [ابراهیم: ۱]. ماهیت چنین کتابی مصون ماندن از تغییر، تبدیل، کاستی، فزونی و به طور کلی سلامت از تحریف است، بدین سبب خداوند خود عهده‌دار این مهم گردیده است و بر محافظت از آن تصریح و تأکید کرده است: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» [الحجر: ۹] و آن را نفوذ ناپذیر در برابر باطل - خواه در زمان نزولش و خواه در اعصار بعدی - شناسانده است: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» [فصلت: ۴۲].

با وجود این نصوص قرآنی و البته دیگر ادله نقلی و عقلی در تحریف‌ناپذیری قرآن کریم، روایات فراوانی در آثار فریقین گزارش شده است که به تصریح یا تلمیح بر تحریف قرآن دلالت دارند. از معروف‌ترین این روایات، گزارش‌هایی است که از قرآنی بودن آیه‌ای تحت عنوان «رجم» سخن می‌گویند. طبق این روایات، عبارت: «الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ إِذَا زَنِيَا فَرَجُمُوهُمَا أَلْبَتَّةَ»: «پیرمرد و پیرزن چون زنا کردند، آنان را سنگسار کنید»، از آیات قرآنی بوده است، ولی پس از وفات پیامبر (ص) و در هنگام جمع قرآن تردیدهایی در نگارش آن، درون مصحف پدیدار گردید و در نهایت تصمیم بر آن شد که به درون قرآن راه نیابد. شارحان این روایات و دیگر روایات دال بر کاستی در قرآن، درصدد چاره‌جویی برآمدند و برای حل تعارض آن‌ها با اصل تحریف‌ناپذیری قرآن، نظریه نسخ التلاوه را مطرح کردند که البته این نظریه، راهکار سودمندی نبوده و برابر با تسلیم در مواجهه با روایات و پذیرش تحریف قرآن است.

روایات آیه رجم، از جوامع روایی به تفاسیر قرآن وارد گردید و بسیاری از مفسران اهل سنت، ضمن گزارش و پذیرش این روایات، همان نظریه نسخ التلاوه را مطرح کردند، لذا ارزیابی دیدگاه‌های مختلف مفسران ضروری به نظر می‌رسد؛ چراکه برای مغرضان و شبهه افکنان دستاویز شبهه افکنی در قرآن و برای ناآگاهان و ناآشنایان به حقیقت آن‌ها، موجب شک و تردید نسبت به قرآن خواهد بود.

پیشینه تحقیق

درباره رجم، پژوهش‌هایی نگاشته شده است، از جمله: مقاله «بررسی سندی و دلالتی

روایات اجرای حکم رجم (با تکیه بر روایات کتب اربعه شیعه) و پایان‌نامه «رجم از دیدگاه مذاهب اسلامی». این تحقیقات به مسئله حکم رجم پرداخته‌اند، در حالی که پژوهش حاضر به نقد دیدگاه مفسران اهل سنت در خصوص روایاتی که از قرآنی بودن آیه رجم سخن می‌گویند، متمرکز گردیده است.

۱. روایات آیه رجم در مصادر اهل سنت

۱. «... عَنْ أَبِي عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ عُمَرُ لَقَدْ خَشِيتُ أَنْ يَطُولَ بِالنَّاسِ زَمَانٌ حَتَّى يَقُولَ قَائِلٌ: لَا نَجِدُ الرَّجْمَ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَيَضِلُّوا بِتَرْكِ فَرِيضَةِ أَنْزَلَهَا اللَّهُ أَلَا وَإِنَّ الرَّجْمَ حَقٌّ عَلَى مَنْ زَنَى وَقَدْ أَحْصَنَ» [۲۴، ج ۸، ص ۲۵؛ ۹۲، ج ۵، ص ۱۱۶؛ ۵۸، ج ۲، ص ۳۴۳؛ ۱۵، ج ۲، ص ۸۵۳؛ ۹۴، ج ۸، ص ۲۱۱]: «از ابن عباس نقل شده است: عمر گوید ترسیدم زمان طولانی بر مردم بگذرد و گویند در کتاب خداوند رجم را نمی‌یابیم و این‌گونه با ترک فریضه‌ای که خداوند فرود آورده است گمراه گردند، آگاه باشید که هر همسررداری که زنا کرده باشد، رجم باید بر او جاری گردد».

این روایت با سندی متفاوت و اندکی اختلاف در الفاظ نقل شده است [۲۴، ج ۸، ص ۲۵-۲۶؛ ۹۲، ج ۵، ص ۱۱۵-۱۱۶].

۲. بخاری از عکرمه از عمر چنین آورده است: «... لَوْلَا أَنْ يَقُولَ النَّاسُ زَادَ عُمَرُ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَكَتَبْتُ آيَةَ الرَّجْمِ بِيَدِي» [۲۴، ج ۸، ص ۱۱۳]: «اگر مردم نمی‌گفتند عمر به کتاب خداوند از خود چیزی افزوده است، آیه رجم را با دست خود می‌نگاشتم».

۳. «... عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ أَنَّهُ سَمِعَهُ يَقُولُ: لَمَّا صَدَرَ عُمَرُ بِنِ الْخَطَّابِ... ثُمَّ قَالَ: إِيَّاكُمْ أَنْ تَهْلِكُوا عَنْ آيَةِ الرَّجْمِ أَنْ يَقُولَ قَائِلٌ: لَا نَجِدُ حَدِيثًا فِي كِتَابِ اللَّهِ فَقَدْ رَجَمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْلَا أَنْ يَقُولَ النَّاسُ: زَادَ عُمَرُ بِنِ الْخَطَّابِ فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى لَكَتَبْتُهَا الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ فَارْجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ فَإِنَّا قَدْ قَرَأْنَاهَا» [۸۹، ج ۲، ص ۸۲۴؛ ۵، ج ۱، ص ۳۶؛ ۶۱، ص ۱۶۴؛ ۹۴، ج ۸، ص ۲۱۲-۲۱۳]: «عمر گوید: مواظب باشید آیه رجم از بین نرود تا مبدا کسی بگوید، دو حد (شلاق و رجم زناکار) را در کتاب خدا نمی‌یابیم. رسول خدا(ص) سنگسار کرد، قسم به آنکه جانم به دست او است، اگر ترس از این نبود که بگویند عمر بر کتاب خداوند افزوده است، در آن می‌نوشتیم: هرگاه پیرمرد و پیرزن زنا کردند، آنان را سنگسار کنید، ما این آیه را خواندیم».

۴. «... عَنْ زُرِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبِي بَنُ كَعْبٍ: كَأَيِّنْ تَقْرَأُ سُورَةَ الْأَحْزَابِ؟ أَوْ كَأَيِّنْ تَعُدُّهَا؟

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: ثَلَاثًا وَسَبْعِينَ آيَةً فَقَالَ: قَطُّ لَقَدْ رَأَيْتُهَا وَإِنَّهَا لَتُعَادِلُ سُورَةَ الْبَقَرَةِ وَلَقَدْ قَرَأْنَا فِيهَا الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ إِذَا زَنَى فَرَجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» [۵، ج ۵، ص ۱۳۲؛ ۴۳، ج ۲، ص ۴۱۵؛ ۲۹، ج ۸، ص ۳۶۷]: «ابی بن کعب به زر بن حبیش گوید: چگونه سوره احزاب را می‌خوانی؟ آیات سوره احزاب را چه تعداد می‌دانی؟ زر گوید: هفتاد و سه آیه. ابی بن کعب گفت: هرگز! آن را به اندازه سوره بقره دیدم و در آن خواندیم: هرگاه پیرمرد و پیرزن زنا کردند، آنان را سنگسار کنید که مجازاتی از طرف خداوند است و خداوند دانا و حکیم است.»

۵. «... عَنْ أَبِي أَمَامَةَ بْنِ سَهْلٍ بْنِ حُنَيْفٍ أَنَّ خَالَتَهُ أَخْبَرَتْهُ قَالَتْ: لَقَدْ أَقْرَأَنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) آيَةَ الرَّجْمِ: الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ إِذَا زَنَى فَرَجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ بِمَا قَضِيَ مِنَ اللَّذَّةِ» [۴۳، ج ۴، ص ۳۵۶؛ ۹۴، ج ۸، ص ۲۱۱؛ ۷۳، ج ۲۴، ص ۳۵۰]: «سهل بن حنیف گوید: خاله‌اش برای او نقل کرده است: رسول خدا (ص) آیه رجم را برای ما خواند (و آن آیه چنین بود): هرگاه پیرمرد و پیرزن زنا کردند، آنان را سنگسار کنید، زیرا با آنکه دوران کامجویی‌شان (در اثر پیری) سپری شده است، مرتکب زنا شده‌اند.»

۶. «... يُونُسُ بْنُ جُبَيْرٍ يُحَدِّثُ: عَنْ كَثِيرِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ قَالَ: أَشْهَدُ لَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ إِذَا زَنَى فَرَجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ» [۴۳، ج ۴، ص ۳۵۶؛ ۹۴، ج ۸، ص ۲۱۱]: «زید بن ثابت گوید: شهادت می‌دهم که از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: هرگاه پیرمرد و پیرزن زنا کردند، آنان را سنگسار کنید.»

در برخی جوامع روایی اهل سنت برای این روایت تتمه‌ای نقل شده است: «فَقَالَ عُمَرُ: لَمَّا أَنْزَلَتْ هَذِهِ آتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَقُلْتُ: أَكْتَبِنِيهَا قَالَ شُعْبَةُ فَكَأَنَّهُ كَرِهَ ذَلِكَ فَقَالَ عُمَرُ أَلَا تَرَى أَنَّ الشَّيْخَ إِذَا لَمْ يُحْصَنْ جُلِدَ وَأَنَّ الشَّابَّ إِذَا زَنَى وَقَدْ أَحْصَنَ رُجِمَ» [۵، ج ۵، ص ۱۸۳]: «عمر گفت: وقتی این آیه فرود آمد، نزد رسول خدا (ص) آمدم و گفتم: آن را بنویسم، شعبه گوید: گویا پیامبر (ص) آن را نپسندید. عمر گفت: آیا نمی‌بینی اگر پیرمرد، بدون همسر باشد، شلاق بر او زده می‌شود و اگر جوان زنا کار همسردار باشد، سنگسار می‌گردد.»

۲. آرای مفسران اهل سنت درباره روایات آیه رجم

بسیاری از تفاسیر اهل سنت، روایات مربوط به آیه رجم را گزارش کرده‌اند، از مجموع ۵۸ تفسیری که این روایات را نقل کرده‌اند؛ سه رویکرد به این روایات یافت گردید: ۱. نسخ تلاوت و عدم نسخ حکم: در چهل تفسیر، روایات رجم را بر نسخ تلاوت و عدم نسخ

حکم، حمل کرده‌اند، ۲. گزارش روایات بدون بیان نظر: در دوازده تفسیر، مفسران روایات را بدون بیان نظر گزارش کرده‌اند، محتمل است این تفاسیر طبق دیدگاه اکثریت، به نسخ تلاوت در این روایات معتقد باشند و لذا ملحق به دسته اول هستند، ۳. تشکیک در صحت روایات: در شش تفسیر، در صحت این روایات تشکیک شده است. در جدول ذیل به ترتیب تاریخی و بر اساس موضعی از تفسیر که روایات رجم انعکاس یافته، آرای سه‌گانه مفسران اهل سنت، آمده است.

ردیف	نام تفسیر	تاریخ	دیدگاه	موضع گزارش	آدرس
۱	تفسیر یحیی بن سلام	۲۰۰ق	گزارش روایات بدون بیان نظر	نور، آیه ۲	۳۲، ج ۱، ص ۴۲۴-۴۲۵
۲	تفسیر کتاب الله العزیز	سده ۳	گزارش	نور، آیه ۲	۹۸، ج ۳، ص ۱۳۷
۳	جامع البیان	۳۱۰ق	گزارش	مائده، آیه ۴۲	۷۴، ج ۶، ص ۱۵۷
۴	تأویلات أهل السنة	۳۳۳ق	نسخ تلاوت و عدم نسخ حکم	بقره، آیه ۱۰۶؛ نور، آیه ۲؛ طلاق، آیه ۶	۸۸، ج ۱، ص ۵۳۱؛ ج ۳، صص ۶۷-۶۸؛ ج ۱۰، ص ۶۳
۵	التفسیر الکبیر	۳۶۰ق	گزارش	نساء، آیه ۱۵؛ نور، آیه ۲	۷۲، ج ۲، ص ۲۰۵؛ ج ۴، ص ۳۹۳
۶	احکام القرآن	۳۷۰ق	گزارش	مائده، آیه ۳۸؛ نور، آیه ۲	۳۷، ج ۴، ص ۷۶؛ ج ۵، ص ۹۷
۷	بحر العلوم	۳۷۳ق	گزارش	احزاب، آیه ۷۷	۵۹، ج ۳، ص ۷۷
۸	تفسیر ابن ابی زمنین	۳۹۹ق	گزارش	نور، آیه ۲	۳، ص ۵۰
۹	الکشف و البیان	۴۲۷ق	گزارش	نساء، آیه ۱۶	۳۴، ج ۳، ص ۲۷۳
۱۰	الهدایة إلى بلوغ النهایة	۴۳۷ق	نسخ	نساء، آیه ۱۶	۱۲، ج ۲، ص ۱۲۵۲
۱۱	النکت و العیون	۴۵۰ق	نسخ	نور، آیه ۲	۹۰، ج ۴، ص ۷۱
۱۲	درج الدرر	۴۷۱ق	تشکیک در صحت روایات	ابتدای سوره احزاب	۳۵، ج ۲، ص ۴۴۹
۱۳	النکت فی القرآن	۴۷۹ق	نسخ تلاوت	مقدمه	۹۱، ص ۱۵۰
۱۴	تفسیر الراغب	۵۰۲ق	نسخ	نساء، آیه ۱۶	۵۳، ج ۲، ص ۱۱۴۲
۱۵	کشف الاسرار	۵۳۰ق	نسخ	بقره، آیه ۱۰۶؛ نساء، آیه ۱۶	۹۳، ج ۱، ص ۳۰۹؛ ج ۲، ص ۴۴۷
۱۶	الکشاف	۵۳۸ق	نسخ	احزاب، آیه ۱-۳	۵۶، ج ۳، ص ۵۱۸

۱۷	المحرر الوجیز	۵۴۲ق	نسخ	نساء، آیه ۱۶؛ نور، آیه ۲	۱۱، ج ۲، ص ۲۲؛ ج ۴، ص ۱۶۱
۱۸	مفاتیح الأسرار	۵۴۸ق	گزارش	مقدمه	ج ۱، ص ۱۱
۱۹	مفاتیح الغیب	۶۰۶ق	نسخ	بقره، آیه ۱۰۶	۸۱، ج ۳، ص ۶۴۱- ۶۴۳
۲۰	الجامع لأحكام القرآن	۶۷۱ق	نسخ	ابتدای احزاب	۸۵، ج ۱۴، ص ۱۱۳
۲۱	مدارك التنزیل	۷۱۰ق	نسخ	احزاب، آیه ۱	۹۵، ج ۳، ص ۴۲۵
۲۲	التسهیل لعلوم التنزیل	۷۴۱ق	نسخ	نور، آیه ۲	۴، ج ۱، ص ۲۱؛ ج ۲، ص ۶۰
۲۳	تفسیر القرآن العظیم	۷۷۴ق	نسخ	بقره، آیه ۱۰۶؛ نور، آیه ۲؛ ابتدای سوره احزاب	۱۴، ج ۱، ص ۲۸۵؛ ج ۶، ص ۵؛ ج ۶، ص ۳۳۵
۲۴	اللباب فی علوم الكتاب	۷۷۵ق	نسخ	فصل فی أنواع النسخ	۷، ج ۲، ص ۳۷۸
۲۵	تفسیر ابن عرفة	۸۰۳ق	نسخ	نور، آیه ۲	۱۰، ج ۳، ص ۲۲۲
۲۶	بصائر ذوی التمییز	۸۱۷ق	نسخ	مقدمه	۸۳، ج ۱، ص ۱۲۴
۲۷	غرائب القرآن	۸۵۰ق	نسخ	بقره، آیه ۱۰۶؛ نور، آیه ۲؛ ابتدای سوره احزاب	۹۶، ج ۱، ص ۳۵۸؛ ج ۵، ص ۱۴۴؛ ج ۵، ص ۴۴۵
۲۸	الجواهر الحسان	۸۷۵ق	نسخ	نساء، آیات ۱۰۶- ۱۰۷	۳۳، ج ۲، ص ۱۹۰
۲۹	نظم الدرر	۸۸۵ق	گزارش	مائده، آیه ۴۴	۲۷، ج ۲، ص ۴۶۰- ۴۶۲
۳۰	الدر المنثور	۹۱۱ق	نسخ	سوره احزاب	۶۰، ج ۵، ص ۱۷۹- ۱۸۰
۳۱	السراج المنیر	۹۷۷ق	نسخ	مائده، آیه ۱۰۲؛ سوره احزاب	۴۷، ج ۱، صص ۴۳۴-۴۳۵؛ ج ۳، ص ۲۷۹
۳۲	تفسیر ابی السعود	۹۸۲ق	نسخ	نور، آیه ۲	۱۷، ج ۶، ص ۱۵۶
۳۳	عناية القاضي	۱۰۶۹ق	نسخ	احزاب، آیه ۱	۴۹، ج ۷، ص ۴۵۷
۳۴	حاشیه محیی الدین	۱۰۷۸ق	نسخ	بقره، آیه ۱۰۶؛ نور، آیه ۲	۶۶، ج ۲، ص ۲۱۸؛ ج ۶، ص ۱۹۰
۳۵	روح البیان	۱۱۲۷ق	نسخ	بقره، آیه ۱۰۶؛ احزاب، آیه ۷۳	۴۴، ج ۱، ص ۲۰۰؛ ج ۷، ص ۲۵۷
۳۶	حاشیه القونوی	۱۱۹۵ق	نسخ	بقره، آیه ۱۰۶؛	۸۶، ج ۴، ص ۱۱۲؛

					ج ۱۱، ص ۳۸۱؛ ج ۱۳، ص ۲۵۰؛ ج ۱۵، ص ۲۸۹؛ ج ۲۰، ص ۲۱۷	نحل، آیه ۱۰۱؛ نور، آیه ۲؛ احزاب، آیه ۱؛ اعلی، آیه ۷
۳۷	الفتوحات الإلهية	۱۲۰۴ق	گزارش	بقره، ذیل آیه ۱۰۶؛ ابتدای سوره احزاب	۳۹، ج ۱، ص ۱۳۸؛ ج ۶، ص ۱۴۸	
۳۸	البحر المدید	۱۲۲۴ق	نسخ	بقره، آیه ۱۰۶؛ نور، آیه ۲؛ احزاب، آیه ۱	۹، ج ۱، ص ۱۴۹؛ ج ۴، ص ۷؛ ج ۴، ص ۴۰۳	
۳۹	التفسیر المظهری	۱۲۲۵ق	نسخ	ابتدای نور	۳۱، ج ۶، ص ۴۲۲- ۴۲۶	
۴۰	حاشیة الصاوی	۱۲۴۱ق	نسخ	بقره، آیه ۱۰۶؛ ابتدای سوره احزاب	۶۷، ج ۱، ص ۶۹؛ ج ۳، ص ۲۲۰	
۴۱	فتح القدير	۱۲۵۰ق	گزارش	ابتدای سوره احزاب	۶۴، ج ۴، ص ۲۹۹	
۴۲	روح المعانی	۱۲۷۰ق	نسخ	بقره، آیه ۱۰۶؛ نساء، آیه ۲۳؛ نور، آیه ۲؛ احزاب، آیه ۱	۲۵، ج ۱، ص ۳۵۰؛ ج ۲، ص ۴۶۳؛ ج ۹، ص ۲۷۸؛ ج ۱۱، ص ۱۴۰	
۴۳	فتح البیان	۱۳۰۷ق	نسخ	نور، آیه ۲؛ احزاب، آیه ۱۶	۶۹، ج ۴، ص ۵۴۹؛ ج ۵، ص ۳۳۴	
۴۴	نیل المرام	۱۳۰۷ق	نسخ	نور، آیه ۲	۷۰، ص ۳۸۶	
۴۵	محاسن التأویل	۱۳۳۲ق	نسخ	ابتدای احزاب	۸۴، ج ۸، ص ۴۶	
۴۶	تفسیر القرآن الکریم و اعرابه و بیانه	سده ۱۴	نسخ	بقره، آیه ۱۰۶؛ نساء، آیه ۱۵؛ ابتدای احزاب	۵۲، ج ۱، ص ۲۸۱؛ ج ۲، ص ۳۹۴؛ ج ۷، ص ۴۲۵	
۴۷	التفسیر القرآنی للقرآن	۱۳۹۰ق	تشکیک	نور، آیه ۲	۴۸، ج ۹، ص ۱۲۱۰- ۱۲۱۳	
۴۸	تفسیر آیات الأحكام	سده ۱۴	نسخ	مقدمه؛ نور، آیه ۲	۵۷، ج ۳۶؛ ص ۵۳۱-۵۳۴	
۴۹	التحریر و التنویر	۱۳۹۳ق	تشکیک	بقره، آیه ۱۰۶؛ مائده، آیه ۴۲؛ نور، آیه ۲؛ ابتدای احزاب؛ اعلی، آیه ۷	۸، ج ۱، ص ۶۴۵؛ ج ۵، ص ۱۲۴؛ ج ۱۸، ص ۱۲۰؛ ج ۲۱، ص ۱۷۵؛ ج ۳۰، ص ۲۴۷	

۵۰	أضواء البيان	۱۳۹۳ق	نسخ	نساء، آیه ۱۵؛ مائده، آیه ۳۸؛ نور، آیه ۲	۶۳، ج ۱، ص ۲۴۵؛ ج ۳، ص ۳۲۰؛ ج ۶، صص ۴-۸؛ صص ۲۷-۳۲
۵۱	زهرة التفاسير	۱۳۹۴ق	تشکیک	بقره، آیه ۱۰۶؛ نساء، آیه ۱۶	۱۹، ج ۱، ص ۳۵۱؛ ج ۱۰، ص ۵۱۴۱
۵۲	بيان المعاني	۱۳۹۸ق	تشکیک	نور، آیه ۲	۲۴، ج ۶، صص ۱۰۸-۱۰۹
۵۳	التفسير الحديث	۱۴۰۴ق	تشکیک	نور، آیه ۲	۵۱، ج ۸، صص ۳۵۵-۳۵۷
۵۴	الاساس في التفسير	۱۴۰۹ق	نسخ	نور، آیه ۲	۴۶، ج ۷، صص ۳۷۰-۳۷۰۲
۵۵	التفسير الوسيط	۱۴۳۱ق	نسخ	نور، آیه ۲	۷۵، ج ۱۰، ص ۸۳
۵۶	التفسير المنير	۱۴۳۶ق	نسخ	باب انواع النسخ	۵۵، ج ۱، ص ۲۶۵
۵۷	ايسر التفاسير	۱۴۳۹ق	نسخ	بقره، آیه ۱۰۶	۳۶، ج ۱، ص ۹۶
۵۸	حدايق الروح	۱۴۴۱ق	نسخ	مقدمه	۲۰، مقدمه، ص ۱۱۸

۳. ارزیابی روایات مورد استناد مفسران قائل به روایات آیه رجم

با توجه به اینکه اکثریت مفسران اهل سنت، روایات را بر نسخ تلاوت حمل کرده‌اند و این دیدگاه چیزی جز همان تحریف قرآن نیست، ضروری است که بررسی و نقد گردند. در ابتدا باید گفت که روایات آیه رجم با عموم ادله سلامت قرآن از تحریف در تعارض هستند و می‌توان با ادله قرآنی، حدیثی، عقلی و تاریخی-که قرآن پژوهان بر نفی مجموع روایات تحریف بهره گرفته‌اند- روایات آیه رجم را به نقد کشاند، با این وجود غیر از ادله عمومی نفی تحریف از قرآن، می‌توان با دلایل متعدد دیگر روایات آیه رجم را در بوتۀ نقد نهاد. از آنجا که روایات از دو بخش سند و محتوا برخوردار هستند و داوری درباره آن‌ها منوط به بررسی و ارزیابی هر دو بخش است، ابتدا اسناد روایت، به طور کلی اعتبارسنجی شده و سپس محتوای آن‌ها مورد ارزیابی واقع می‌گردد.

۳.۱. ارزیابی اسناد روایات

روایات آیه رجم در مصادر روایی معتبر اهل سنت نقل شده است و اسناد آن‌ها به ظاهر طبق معیارهای رجالی عامه، صحیح به حساب می‌آیند، مع الوصف با دقت و واکاوی

عمیق تر، قابلیت استناد به آن‌ها مورد تشکیک است. وجه مشترک اسناد همه این روایات، ختم آن‌ها به صحابی - و نه پیامبر(ص) - است؛ اگرچه برخی عالمان اهل سنت، مرسلات صحابه را - که شامل روایاتی است که آنان نزد پیامبر(ص) حضور نداشته یا ایشان را درک نکرده‌اند - در حکم مسندات آنان دانسته‌اند [۹۷، ج ۱، ص ۳۰؛ ۸۰، ج ۱، ص ۴۷]، اما دلیلی قاطع بر آن نیست و روایاتی را که از مفسران صحابه رسیده است، نمی‌توان جزء روایات نبوی (ص) شمرد، زیرا در آن‌ها احتمال اعمال نظر صحابه می‌رود [۷۱، ص ۷۳-۷۴]، همچنان که برخی دیگر از عالمان اهل سنت معتقدند که این‌گونه روایات قابل احتجاج نیستند، مگر صحابی تصریح کند که از صحابی دیگر روایت را نقل می‌کند [۹۷، ج ۱، ص ۳۰؛ ۸۰، ج ۱، ص ۴۷] و سخن آن صحابی نیز مستند به روایت رسول خدا (ص) است. ممکن است اشکال شود برخی از این روایات در صحیحین آمده‌اند و نمی‌توان به سادگی اسناد این روایات را مورد نقد قرار داد. در پاسخ به این اشکال باید گفت عالمان اهل سنت، خواه متقدمان و خواه متأخران بر ضعف برخی راویان صحیحین تصریح کرده‌اند؛ چنان که برخی از متقدمان نوشته‌اند: بخاری و مسلم از روایانی نقل حدیث کرده‌اند که مجروح می‌باشند [۸: ص ۸۶؛ ۸۰، ج ۱، ص ۴۸] و از متأخران نیز معتقدند: در صحیحین احادیث فراوانی از برخی مدلسان روایت شده است [۱۸، ص ۳۱۱]. کسانی که راویان ضعیف آن‌ها را شمارش کرده‌اند، ۸۰ راوی ضعیف در صحیح بخاری و ۱۵۰ راوی ضعیف در صحیح مسلم برشمرده‌اند [۲۲، ج ۲، ص ۱۱۷-۱۱۹].

جدا از اشکال عمومی مذکور در اسناد روایات، برخی از محققان اهل سنت، اسناد روایات رجم را جعلی و ضعیف یا خبر واحد غیر علم‌آور دانسته‌اند. آلوسی معتقد است، روایات آیه ادعایی رجم، به صورت خبر واحد بوده و در اتصال روایت به عمر، یقین وجود ندارد و ظنی است [۲۵، ج ۱۱، ص ۱۴۰] و به طور کلی روایات دال بر از بین رفتن قرآن را یا جعلی می‌داند و یا اذعان می‌کند که باید آن‌ها را تأویل کرد [۲۵، ج ۱۱، ص ۱۴۰]. آل‌غازی نیز بر این باور است که صدور روایت از عمر، ظنی بوده که اطمینان و اعتمادی بر آن نیست [۲۴، ج ۶، ص ۱۰۸]. از نظر ابو زهره روایت رجم هر چند به صورت خبر مشهور ادعا شده، ولی خبر واحد هستند [۱۹، ج ۱۰، ص ۵۱۴].

۲.۳. نقد محتوای روایات

محتوای روایات آیه رجم، دست کم با شش دسته دلیل در معرض نقد هستند، این دلایل

عبارتند از: ۱. نقد با قرآن، ۲. نقد با روایات معارض، ۳. نقد با قواعد فقهی، ۴. نقد عقلی، ۵. نقد ادبی، ۶. اضطراب روایات. در ادامه به تفصیل، هریک از این نقدها تبیین می‌گردد.

۱.۲.۳. نقد با قرآن

آیه رجم هیچ مشابهتی با آیات قرآن ندارد [۲۴، ج ۶، ص ۱۰۸]، لذا اولین نقد به روایات رجم، تعارض آن‌ها با آیات قرآن است، گذشته از آنکه این روایات با آیاتی که بر سلامت مجموع قرآن از تحریف (چون آیه حفظ [الحجر: ۹] و نفی باطل [فصلت: ۴۲]) در معرض نقد هستند، محتوای آیه رجم با ساختار ادبی و محتوایی آیات قرآن همسو و همسنخ نمی‌باشند. این آیه موهوم، در روایات گوناگون به صورت‌های مختلف گزارش گردیده است - که این خود اضطراب روایات را موجب گردیده است و از این اشکال سخن به میان خواهد آمد - قدر مشترک روایات رجم، تعبیر: «الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ إِذَا زَنَيَا فَارْجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ» است که از چند جهت با ساختار ادبی و محتوایی قرآن تعارض دارد:

نخست آنکه آیه موهوم رجم سه بخش دارد: ۱. کسانی که مرتکب گناه گردیده‌اند، از آنان با تعبیر «الشَّيْخُ» (پیرمرد) و «الشَّيْخَةُ» (پیرزن) یاد شده است، ۲. جرم ارتكابی آنان با جمله شرطی: «إِذَا زَنَيَا»، ۳. حکم جزایی پیرمرد و پیرزن مرتکب زنا با جمله جواب شرط: «فَارْجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ». تعمق و تدبر در آیات قرآن نشان می‌دهد که وقتی خداوند از احکام جزایی برای زنان و مردان مجرم سخن به میان می‌آورد، دارای دو بخش است: ۱. ابتدا سخن از زنان و مردان گناهکار است، تا تعلیق حکم بر وصف یاد شده، مشعر بر علیت باشد؛ به تعبیر دیگر، نخست زنان و مردان گناهکار - با وصف خطایشان - یاد شده‌اند و نه آنکه به هویت و جنسیت آنان اشاره شود و سپس به خطای ارتكابی آنان اشاره شده است؛ ۲. در بخش دوم، حکم جزایی آنان بیان شده است؛ برای نمونه، آن‌گاه که از حکم جزایی زناکار سخن به میان آورده، تعبیر «زانیه» (زن زناکار) و «زانی» (مرد زناکار) و سپس جزای آنان: «فَاجْلِدُوا...» آمده است: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» [النور: ۲]، یا آن‌گاه که از جزای سارق سخن گفته است، تعبیر «سارق» (مرد دزد) و «سارقه» (زن دزد) و سپس جزای آنان: «فَاقْطِعُوا...» را دارد؛ «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطِعُوا أَيْدِيَهُمَا» [المائدة: ۳۸] یا تعبیر «الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ...» (کسانی که نسبت زنا به زنان شوهردار می‌دهند...) و سپس جزای آنان: «فَاجْلِدُوهُمْ...» را دارد؛ «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً» [النور: ۴].

دوم، نقد دیگر آن است که واژگان «الشیخ» و «الشیخة» کلماتی ثقیل هستند که با نظم قرآن قابل جمع نیستند. در قرآن واژه «الشیخ» آمده است، ولی کلمه «الشیخة» در قرآن و در کلام عربی نیامده است [۴۸، ج ۹، ص ۱۲۱۲]. در آیات قرآن برای پیرمرد تعبیر «الشیخ»، مانند: «وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» [القصص: ۲۳] و پیرزن تعبیر «عجوز»، مانند: «قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَ هَذَا بَعْلِي شَيْخًا» [هود: ۷۲]، «فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرََّةٍ فَصَكَتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ» [الذاریات: ۲۹] به کار رفته است.

سوم آنکه، واژه «البتة» برای تأکید به کار رفته است، در حالی که روش‌های تأکید به کار رفته در قرآن به چند شکل هستند: ۱. تأکید معنوی که با واژگانی چون: کل، اجمع، کلا، کلتا، نفس و عین، صورت می‌گیرد و فایده آن دفع توهّم مجاز بودن، افاده عموم و شمول نسبت به همه افراد یک مفهوم و نیز نبود سهو و نسیان است؛ ۲. تأکید لفظی که همان تکرار لفظ اول است؛ ۳. تأکید با قسم، بدل، عطف، وصف، حروف جر و حروف تأکید؛ ۴. بهره‌گیری از شیوه‌های بلاغی گوناگونی مانند عدول از فعل امر به استفهام، التفات، استفاده از اسم ظاهر به جای ضمیر، عدول از جمله فعلیه به اسمیه، تقدیم ما حقّه التأخیر [۵۴، ص ۲۹۶]. لذا «البتة» در هیچ کدام از اقسام تأکید قرآنی قرار نمی‌گیرد و چنین واژه‌ای نیز در قرآن استعمال نگردیده است و اساساً کاربرد این واژه در چنین سیاقی وجه صحیحی ندارد؛ چراکه «البتة» اگرچه معنای قطعیت دارد، مع الوصف کاربرد آن در هر امری است که گذشته است و بازگشت ندارد [۸۲، ج ۸، ص ۱۰۹؛ ۴۲، ج ۱، ص ۲۴۲؛ ۱۳، ج ۱، ص ۱۷۰]، مانند روزگاری که سپری شده است و باز نمی‌گردد، همچنین این واژه برای اموری است که در آینده قطعاً اتفاق خواهد افتاد، مانند قیامت که بدون شک رخ خواهد داد [۲۱، ج ۱۴، ص ۱۸۴؛ ۱۶، ج ۲، ص ۷]. بنابراین گویا واژه «البتة»، برای بیان قطعیت خبری در گذشته یا آینده - و نه برای بیان قطعیت در انشاء حکم - است و آنچه در آیه موهوم رجم به کار رفته است، بیان قطعیت در انشاء حکم است که در هیچ کدام از احکام قرآنی به کار نرفته است و بلکه حتی برای بیان اخبار گذشته و آینده نیز استعمال نگردیده است.

۳.۲.۲. نقد با روایات معارض

روایات آیه رجم دست کم با دو روایت در تعارض است:

۱. روایتی که طبق آن، امام علی (ع) تصریح می‌فرماید که بر اساس سنت پیامبر (ص) رجم می‌کند؛ در این روایت - که در منابع فریقین گزارش شده - آمده است که امام

علی(ع) زنی به نام شراحه همدانیه را که مرتکب زناى محصنه شده بود رجم کرد و فرمود: او را بر اساس سنت رسول خدا(ص) سنگسار کردم: «رَجَمْتُهَا بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ(ص)» [۷۸، ج ۵، ص ۳۳۶؛ ۲۴، ج ۸، ص ۲۱؛ ۴۳، ج ۲، ص ۴۱۵]. در برخی مصادر از آن حضرت نقل شده است: «إِنَّ الرَّجْمَ سُنَّةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ(ص)» [۵، ج ۱، ص ۱۲۱ و ۱۴۳]: «رجم سنت رسول خدا(ص) است». این روایت به خوبی نشان می‌دهد که حکم رجم یک سنت نبوی(ص) است نه آیه قرآن و امام علی(ع) به «نبوی» بودن حکم رجم - و نه قرآنی بودن آن - شهادت داده است [۷۹، ص ۳۶۶].

۲. روایت شده است که امام علی(ع) در خصوص پیرمرد و پیرزنی که مرتکب زنا شده بودند، حکم کرد که صد ضربه شلاق زده شود [۸۷، ج ۷، ص ۱۷۷؛ ۷۷، ج ۱۰، ص ۴]. شیخ طوسی در توضیح این روایت نوشته است، بدین علت به رجم اشاره نشده است که آنان مُحَصَّن [دارای همسر] نبوده‌اند و کسی که مُحَصَّن است بر اساس اجماع، سنگسار آن واجب است؛ خواه پیر و خواه جوان باشد [۷۷، ج ۱۰، ص ۶؛ ۷۶، ج ۴، ص ۲۰۲]. شایان گفتن است، طبق برخی روایات، پیرمرد و پیرزن دارای همسر در صورت ارتکاب زنا، پس از صد ضربه شلاق باید سنگسار گردند [۶۸، ج ۴، ص ۲۶؛ ۷۷، ج ۱۰، ص ۶].

۳.۲.۳. نقد با قواعد فقهی

روایات رجم با قواعد فقهی نیز تعارض دارند و بدان‌ها نقد وارد است؛ توضیح آنکه حکم سنگسار برای زناکاری است که دارای همسر باشد؛ خواه جوان و خواه پیر باشد. از سوی دیگر حکم صد ضربه شلاق برای زناکاری است که فاقد همسر باشد؛ خواه جوان و خواه پیر باشد. در آیه موهوم رجم، حکم سنگسار منحصر بر پیران شده است، بدون اینکه به احصان (برخورداری از همسر) اشاره شده باشد. بلاغی در این خصوص می‌نویسد: طبق مفاد روایات مذکور، رجم محدود به پیرمرد (شیخ) و پیرزن (شیخه) است؛ این در حالی است که امت اسلامی اجماع دارند که حکم رجم برای هر مرد و زن زناکار شوهردار بالغ و رشید، عمومیت دارد و شرط احصان مطلق است [۲۸، ج ۱، ص ۲۲]. لذا حکم آیه یعنی سنگسار کردن پیرمرد و پیرزن به طور مطلق - بدون توجه به داشتن یا نداشتن همسر - مورد عمل مسلمانان نیست، بلکه حکم سنگسار در مورد افرادی قابل اجراست که محصن - دارای همسر - باشند، چه پیر و چه جوان باشند [شاطری، ۱۳۹۴ ش، ص ۲۰۷]، از این روی در روایات متعددی، عباراتی چون: «الْمُحَصَّنُ وَالْمُحَصَّنَةُ فَعَلَيْهِمَا الرَّجْمُ»،

«فَإِذَا زَنَى الرَّجُلُ الْمُحْصَنَ يُرْجَمُ»، «الْمُحْصَنُ يُرْجَمُ» [۸۷، ج ۷، ص ۱۷۷؛ ۷۷، ج ۱۰، ص ۳] به کار رفته است که با واژگان «الْمُحْصَنُ» و «الْمُحْصَنَةُ» بر تأهل آنان دلالت دارد.

۳. ۲. ۴. نقد عقلی

چند اشکال عقلی به روایات آیه رجم وارد است:

۱. ادعای نسخ تلاوت، یکی از بارزترین نمودهای عدم ضبط دقیق متن قرآن است که در تثبیت موقعیت قرآن در افکار عمومی امت اسلامی بیش از نمودهای دیگر مؤثر بوده است. حقیقت این ادعا آن است که یا باید قائل به تحریف قرآن شد، یا پذیرفت که صحابه نص قرآن را به طور کامل ضبط نکرده‌اند [۴۵، ص ۳۰۲]. اگر نسخ تلاوت در زمان پیامبر(ص) روی داده باشد، اثبات آن با خبر متواتر است؛ زیرا عالمان اتفاق دارند که نسخ با سنت متواتر - و نه خبر واحد- واقع می‌شود و اگر نسخ بعد از پیامبر(ص) واقع شده باشد، عین تحریف است. بنابراین آیه رجم با مصونیت قرآن از تحریف، در تعارض است، زیرا توجیه نسخ التلاوه همان تحریف قرآن است [۵۰، ص ۲۰۲]. به علاوه در نسخ تلاوت همراه با ابقای حکم، حکمت خاصی وجود ندارد، به ویژه آنکه برای حکم تشریحی مهمی چون حد رجم باشد [۵۱، ج ۸، ص ۳۵۷؛ ۸، ج ۱، ص ۶۴۵] و سکوت صحابه در قبال رفتار عمر، حجیت ندارد [۲۴، ج ۶، ص ۱۰۹].

۲. حکم رجم - که سخت‌ترین عقوبت‌ها است- چگونه با دلیل و سند غیر قرآنی و روایات آحاد اثبات می‌شود، در حالی که حکم‌های سبک‌تر در قرآن آمده است [۱۹، ج ۱۰، ص ۵۱۴].

۳. نظریه نسخ التلاوه ریشه در جمع قرآن پس از وفات پیامبر(ص) دارد؛ این در حالی است که اساساً ادعای جمع قرآن پس از پیامبر(ص) ادعایی بیش نیست. دکتر پاکتچی روایات جمع قرآن پس از وفات پیامبر(ص) را در بوته نقد نهاده است و آن‌ها را اسطوره‌ای بیش نمی‌داند. همچنین معتقد است تمام روایات جمع قرآن (در زمان ابوبکر و عثمان)، توسط ابن شهاب زهری نقل شده است و فرد دیگری دخیل نیست و این امر نشان می‌دهد که این حرکت پروژه‌ای است و نمی‌شود با این مسئله صرفاً به عنوان یک امر عادی برخورد کرد [۳۰، صص ۲۹۳-۲۹۴].

۴. در روایات اول تا سوم، از عمر نقل شده است که اگر ترس از این نبود که بگویند عمر بر کتاب خداوند افزوده است، آیه رجم را بر کتاب خدا می‌افزودم. در صورتی که این آیه جزء قرآن بوده است، اولاً، عمر نباید ملاحظه دیگران را می‌کرده است که چه

می‌گویند، ثانیاً، چنان‌که جعفر مرتضی عاملی معتقد است از این سخن عمر برمی‌آید که در زمان وی برخی از اساس منکر حکم رجم بوده‌اند و دلیل آن‌را وجود حکم شلاق برای زنا می‌دانسته‌اند [۹، ص ۳۴۹]، ثالثاً، آیا کس دیگری با عمر این آیه را نشنیده بود تا شاهد عمر در ادعایش باشد، در صورتی‌که شهادت عمر به تنهایی کافی نبود؟! این مسئله با روحیه حقیقت‌جویی صحابه مغایر است و با فکر سلیم منافات دارد [۲۳، ص ۱۶۷].

۳. ۲. ۵. نقد ادبی

مراد از قواعد ادبی، قواعدی هستند که در علمی چون: نحو، معانی، بیان و بدیع مورد بحث قرار می‌گیرند [۶۲، ص ۱۰۱]. از منظر علوم ادبی نیز به آیه مدعایی رجم نقد وارد است؛ در عبارت: «الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ إِذَا زَنَى فَرَجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ»، دخول «فاء» جزاء بر «فَرَجُمُوهُمَا» وجهی ندارد؛ زیرا «فاء» باید در جواب و جزای شرطی آمده باشد که در اینجا نه به آن تصریح شده است و نه قابل تقدیر می‌باشد و اگر در آیه شریفه «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا» [النور: ۲]، فاء بر سر «جلد» آمده بدین سبب است که «جلد» جزای زنا است و «زنا» سبب «جلد» می‌باشد، اما در این عبارت رجم، جزای شیخوخیت و پیری نمی‌تواند باشد، تنها وجهی که برای دخول «فاء» می‌توان تصور کرد دروغ بودن روایت است [۲۸، ج ۱، ص ۲۱-۲۲]. آیت‌الله جوادی آملی این نکته را با بیان دیگری آورده است: «فاء» در «فارجموهمما» فاقد هر نکته ادبی است؛ زیرا «فاء» در صورتی می‌آید که از جمله قبل شرطیت استفاده شود، نظیر آیه «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا» [النور: ۲] که عبارت «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي» مفید شرطیت است، گویا گفته شده است: «إِنَّ زَنَى الرَّجُلُ وَزَنَتِ الْمَرْأَةُ فَاجْلِدُوهُمَا». در اینجا، جای «فاء» است، اما وقتی به شرط تصریح شود، آوردن «فاء» فاقد هرگونه نکته ادبی است» [۴۱، ص ۱۸۳].

۳. ۲. ۶. اضطراب روایات

یکی از عمده نقدهایی که متوجه این روایات است، اضطراب‌هایی است که در آن‌ها وجود دارد. چگونه می‌توان به قرآنی بودن این آیه باور داشت در حالی‌که گزارش‌های نقل شده از نظر الفاظ، موضع نقل شده در قرآن و محتوای آن‌ها دارای اضطراب هستند.

۳. ۲. ۱. اضطراب در الفاظ روایات

در شش روایات مربوط به آیه موهوم رجم، تعبیر قرآنی ادعا شده با الفاظ و اشکال

گونگون گزارش شده است، در روایت نخست، تعبیر «الرَّجْمَ فِي كِتَابِ اللَّهِ» است، در روایات دوم، تعبیر: «آيَةُ الرَّجْمِ» آمده است، در این روایات، صرفاً از منشأ قرآنی رجم سخن است و سخنی از عبارت قرآنی آن و جاری کردن حد رجم بر پیرمرد و پیرزن نیست. در روایات سوم تا ششم به ترتیب ذیل عبارت قرآنی آیه رجم چنین است:

«الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ فَإِذَا زَنِيَا فَارْجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ»؛

«الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ إِذَا زَنِيَا فَارْجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛

«الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ إِذَا زَنِيَا فَارْجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ بِمَا قَضَى مِنَ اللَّذَّةِ»؛

«الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ إِذَا زَنِيَا فَارْجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ».

چگونه ممکن است با این کیفیت، معتقد به نزول چنین آیه‌ای شد. بدیهی است که این اختلاف در الفاظ را نمی‌توان با مسئله اختلاف قرائت در قرآن توجیه کرد؛ چرا که در اختلاف قرائت، در چگونگی تلفظ یک واژه از جهت حرکات یا حروف واژه بحث است، اما در این روایات بحث از اختلاف در تعداد کلمات است که در صورت پذیرش آن نتیجه‌ای جز باور به تحریف قرآن نخواهد بود.

۲.۲.۶.۲. اضطراب در محتوای روایات

در روایت اول، به عبارت قرآن‌نمای رجم اشاره نشده است و سخنی از رجم پیرمرد و پیرزن در میان نیست و اساساً رجم عقوبتی برای هر فرد همسر دار بیان گردیده است. در روایت دوم صرفاً از عمر نقل شده است که اگر مردم نمی‌گفتند عمر به کتاب خداوند از خود چیزی افزوده است، آیه رجم را با دست خود می‌نگاشتم، نه سخنی از عبارت رجم است و نه کسانی که مشمول جاری ساختن حد رجم هستند.

در روایت سوم عمر گفته است: «مواظب باشید آیه رجم از بین نرود، رسول خدا(ص) سنگسار کرد، اگر ترس از این نبود که بگویند عمر بر کتاب خداوند افزوده است، در آن می‌نوشتیم: هرگاه پیرمرد و پیرزن زنا کردند، آنان را سنگسار کنید، ما این آیه را خواندیم». صدر و ذیل این روایت با هم سازگار نیستند، در صدر روایت که پیامبر(ص) حکم سنگسار را جاری کرده‌اند، بر ذیل آنکه وجود آیه رجم باشد، دلالت ندارد. سیره پیامبر(ص) لزوماً مبتنی بر آیات قرآن نبوده است و در این گزارش، هیچ اشاره‌ای بر نزول آیه رجم وجود ندارد.

تتمه روایت ششم، به طور کلی معارض با خود روایت ششم و بلکه پنج روایت دیگر

است، در بخش پایانی روایت ششم آمده است که عمر گفت: وقتی این آیه فرود آمد، نزد رسول خدا (ص) آمدم و گفتم: آنرا بنویسم، شعبه گوید: گویا پیامبر (ص) آنرا نپسندید. عمر گفت: آیا نمی‌بینی اگر پیرمرد، بدون همسر باشد، شلاق بر او زده می‌شود و اگر جوان زنا کار همسردار باشد، سنگسار می‌گردد. طبق این روایات پیامبر (ص) مخالف آن بوده است که رجم پیرمرد و پیرزن جزء قرآن به حساب آید، در ادامه خود عمر بن خطاب نیز در مقام نقد رجم پیرمرد و پیرزن برمی‌آید و اظهار می‌دارد که اساساً رجم ارتباطی با پیرمرد و پیرزن ندارد و رجم مربوط به افراد همسردار است، خواه پیر و خواه جوان باشند و شلاق زدن مختص افراد بدون همسر است، خواه پیر و خواه جوان باشند.

۳.۲.۶.۳. اضطراب نسبت به موضع آیه در قرآن

اینکه آیه رجم در کدام سوره - بقره، نساء، مائده، نور و یا احزاب - بوده و یا شماره آیه، کدام است، در روایات، متفاوت بیان شده است و میان مفسران اختلاف نظر وجود دارد؛ ۱. سوره نور، ذیل آیه ۲؛ ۲. سوره مائده، ذیل آیات ۳ و ۴۲ و ۴۴ و ۱۰۲؛ ۳. سوره بقره، ذیل آیات ۱۰۶ و ۷۳؛ ۳. سوره طلاق، ذیل آیه ۶؛ ۴. سوره نساء، ذیل آیات ۱۵ و ۱۶ و ۲۳؛ ۵. سوره احزاب ذیل آیات ۱-۳ و آیه ۷۷؛ ۶. سوره نحل، ذیل آیه ۱۰۱؛ ۷. سوره اعلی، ذیل آیه ۷؛ ۸. مقدمه تفسیر.

این میزان از اضطراب در موضعی که آیه رجم وجود داشته است، دلیل دیگری در تشکیک اصل این آیه موهوم است و بر جعلی بودن اصل آن رهنمون می‌سازد.

۴. خاستگاه روایات رجم

به نظر می‌رسد روایات مربوط به آیه رجم ریشه در تورات داشته باشد و فارغ از احتمال تحریف یا عدم تحریف این حکم در تورات، از این کتاب برگرفته باشد و در قالب روایات در مصادر اسلامی انعکاس یافته است، برای اثبات این ادعا باید گفت: اولاً؛ یکی از مجازات‌هایی که در تورات کنونی به مناسبت‌های مختلف و برای خطاها و گناهان متفاوت از آن سخن رفته است؛ در سفر لایوان، بخش «مجازات گناهان» (آیات ۱ و ۲) در خصوص مجازات قربانی فرزند برای بت مولک آمده است: «خداوند همچنین این دستورات را برای قوم اسرائیل داد: هر کس، چه اسرائیلی باشد چه غریبی که در میان شما ساکن است، اگر بچه خود را برای بت مولک قربانی کند، قوم اسرائیل باید او را سنگسار

کنند». در همین بخش (آیه ۲۷)، مجازات احضار کننده روح و جادوگر، سنگسار بیان شده است: «احضار کننده روح یا جادوگر، چه مرد باشد چه زن، باید حتماً سنگسار شود». در سفر لاویان، بخش «مجازات کفر» (آیات ۱۳ و ۱۴)، مجازات کسی که به خداوند کفر گفته، سنگسار است: «او را بیرون اردوگاه ببر و به تمام کسانی که کفر او را شنیدند، بگو که دست‌های خود را بر سر او بگذارند. بعد تمام قوم اسرائیل او را سنگسار کنند». در سفر اعداد، بخش «مردی که قانون روز سبت را شکست» (آیه ۳۵) آمده است: «این شخص باید کشته شود. تمام قوم اسرائیل او را در خارج از اردوگاه سنگسار کنند تا بمیرد».

در سفر تثنیه، بخش «قوانین مربوط به ازدواج» (آیات ۲۰ و ۲۱) آمده است: «اگر اتهامات مرد حقیقت داشته و آن زن هنگام ازدواج باکره نبوده است، ریش سفیدان، دختر را به درخانه پدرش ببرند و مردان شهر او را سنگسار کنند تا بمیرد». در ادامه در آیات ۲۳ و ۲۴ آمده است: «اگر دختری که نامزد شده است در داخل دیوارهای شهر توسط مردی اغوا گردد، باید هم دختر و هم مرد را از دروازه شهر بیرون برده، سنگسار کنند تا بمیرند». بنابراین با این تعدد مجازات سنگسار برای انواع گناهان و از جمله زنا، نشان از آن دارد که اصل حکم رجم ریشه در تورات دارد.

ثانیاً؛ طبق برخی گزارش‌ها در میان یهود، زن و مردی مرتکب زنا می‌شوند و با درخواست آنان از پیامبر(ص) نسبت به مجازات زنا می‌آنان، آیه رجم از تورات گزارش شده است؛ در بسیاری از مصادر کهن و معتبر اهل سنت از عبدالله بن عمر روایت شده است که عده‌ای از یهودیان نزد پیامبر(ص) آمدند و از آن حضرت خواستند درباره زنا و مردی که زنا کرده‌اند حکم کند، پیامبر(ص) فرمودند: حکم آنان در تورات چیست؟ گفتند که رسوایشان می‌کنیم و شلاق زده می‌شوند. عبدالله بن سلام گفت: دروغ می‌گویید، در تورات جزای آنان سنگسار است، تورات را آوردند و گشودند. یکی از آنان دستش را بر روی آیه رجم نهاد و قبل و بعدش را خواند. عبدالله بن سلام به او گفت: دستت را بردار، وقتی دستت را برداشت آیه رجم را دیدند و گفتند: ای محمد (ص)! درست است در آن آیه رجم وجود دارد و رسول خدا (ص) نیز امر فرمود تا سنگسار کنند. عبدالله بن عمر گوید: من جزء کسانی بودم که آن دو را سنگسار کردند [۲۶، ج ۴، ص ۱۸۶؛ ج ۵، ص ۱۷۰؛ ج ۸، ص ۲۲ و ۳۰؛ ۹۰، ج ۳، ص ۱۲۲؛ ۵۸، ج ۲، ص ۳۵۰].

طبق برخی از گزارش‌ها یکی از دو فرد زناکار، از اشراف یهود بود و آنان می‌خواستند که وی سنگسار نشود، پیامبر (ص) آگاه‌ترین آنان به تورات را سوگند می‌دهد تا حکم

واقعی تورات را بیان کند، آن فرد درنگ می‌کرد و پیامبر(ص) نیز پیوسته وی را سوگند می‌داد تا اینکه گفت: «یا أبا القاسم الشيخ و الشيخة إذا زنيا فارجموهما البتة»، پیامبر(ص) فرمودند که حکم چنین است آن دو را ببرید و سنگسار کنید [۷۴، ج ۶، ص ۱۵۷].

برخی از پژوهشگران احتمال داده‌اند که یکی از صحابه این ماجرا را شنیده است و پنداشته است که این وحی خداوند به پیامبر(ص) است و گوینده را تصدیق کرده است و با پاکی نیت و حسن ظن آن‌را پذیرفته است [۷۹، صص ۳۵۲-۳۵۳؛ ۳۸، ص ۶۰]. این احتمال نیز وجود دارد که ابتدا، حکم رجم بزرگسالان در تورات بوده و سپس وارد روایات اسلامی گردیده و آیه‌ای از قرآن توهّم شده است، لذا بعضی محققان بر این اعتقادند که برخی از مغرضان و دشمنان اسلام، اخبار رجم را جعل کردند و در منابع حدیثی مسلمانان داخل کرده‌اند [۴۰، ص ۱۴۰].

نتیجه‌گیری

۱. از مجموع ۵۸ تفسیر اهل سنت که روایات آیه رجم را گزارش کرده‌اند، سه رویکرد به این روایات وجود دارد: ۱. نسخ تلاوت و عدم نسخ حکم: ۴۰ تفسیر؛ ۲. گزارش روایات بدون بیان نظر: ۱۲ تفسیر - که احتمالاً طبق دیدگاه اکثریت، به نسخ تلاوت معتقد باشند - که ملحق به دسته اول هستند؛ ۳. تشکیک در صحت روایات: ۶ تفسیر. روشن است که دیدگاه نسخ تلاوت همان تحریف قرآن است.

۲. وجه مشترک اسناد همه روایات، ختم آن‌ها به صحابی است و نمی‌توان جزء روایات نبوی(ص) شمرد، زیرا در آن‌ها احتمال اعمال نظر صحابه می‌رود، مضاف بر آن برخی از محققان اهل سنت، اسناد روایات رجم جعلی و ضعیف یا خبر واحد غیر علم‌آور دانسته‌اند.

۳. محتوای روایات آیه رجم با ادله قرآنی، روایی، فقهی، عقلی و ادبی در معرض نقد هستند. عبارت رجم: «الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ إِذَا زَنِيَا فَاَرْجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ»، با ساختار ادبی و محتوایی قرآن تعارض دارد. از نظر ادبی نیز تهی از فصاحت و بلاغت زبان عربی است. همچنین این روایات با روایات دیگر در تعارض هستند. از عمده نقدهایی که متوجه این روایات است، اضطراب‌هایی است که از نظر الفاظ، موضع نقل شده در قرآن و محتوای آن‌ها وجود دارد.

۴. از برخی روایات به دست می‌آید که عبارت «الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ إِذَا زَنِيَا فَاَرْجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ» - در قضاوتی که پیامبر(ص) برای یهودیان داشته - از تورات قرائت شده است و

احتمال دارد، بعضی صحابه از روی سهو یا عمد، آن را به عنوان آیه‌ای از قرآن تلقی و روایت کرده‌اند. شاهد این احتمال تورات کنونی است که یکی از مجازات‌های ذکر شده برای برخی گناهان از جمله زنا، سنگسار است.

منابع

- [۱]. قرآن کریم.
- [۲]. تورات.
- [۳]. ابن ابی‌زمین، محمد بن عبدالله (۱۴۲۴ق). تفسیر ابن ابی‌زمین. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۴]. ابن جزی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق). التسهیل لعلوم التنزیل. بیروت، شركة دار الأرقم.
- [۵]. ابن حنبل، أحمد (؟). مسند الإمام أحمد بن حنبل. بیروت، دار صادر.
- [۶]. ابن صلاح، عثمان بن عبد الرحمن (۱۴۱۶ق). مقدمة ابن الصلاح. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۷]. ابن عادل، عمر بن علی (۱۴۱۹ق). اللباب فی علوم کتاب. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۸]. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). تفسیر التحریر و التنویر. بیروت، مؤسسه تاریخ العربی.
- [۹]. ابن عجبیه، احمد (۱۴۱۹ق). البحر الممدید فی تفسیر القرآن المجید. قاهره، حسن عباس زکی.
- [۱۰]. ابن عرفه، محمد بن محمد (۲۰۰۸م). تفسیر ابن عرفه. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۱۱]. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز. بیروت، دارالکتب العلمیة.
- [۱۲]. ابن ابی طالب حمّوش، مکی (۱۴۲۹ق). الهدایة إلى بلوغ النهایة. شارجه، کلیة الدراسات العلیا.
- [۱۳]. ابن فارس، أحمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- [۱۴]. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۱۵]. ابن ماجه، محمد بن یزید (؟). السنن. بیروت، دار الفکر.
- [۱۶]. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت، دار الفکر.
- [۱۷]. ابو السعود، محمد بن محمد (۱۹۸۳م). تفسیر ابی السعود. بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- [۱۸]. ابو ریه، محمود (؟). اضواء علی السنة المحمدیة. (بی‌جا)، نشر البطحاء.
- [۱۹]. ابو زهره، محمد (؟)، زهرة التفاسیر. بیروت، دار الفکر.
- [۲۰]. ارمی علوی، محمد امین بن عبدالله (۱۴۲۱ق). تفسیر حدائق الروح و الريحان فی روابی علوم القرآن. بیروت، دار طوق النجاة.
- [۲۱]. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة. بیروت، دار العلم للملایین.
- [۲۲]. امین، احمد (؟). ضحی الاسلام. (بی‌جا)، (بی‌نا).
- [۲۳]. آبیاری، ابراهیم (۱۴۱۱ق). تاریخ القرآن. قاهره، دار کتاب المصری.
- [۲۴]. آل‌غازی، عبدالقادر (۱۳۸۲ق). بیان المعانی. دمشق، مطبعة الترقی.
- [۲۵]. آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۲۶]. بخاری، محمد بن إسماعیل (۱۴۰۱ق). صحیح البخاری. بیروت، دار الفکر.

- [۲۷]. بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷ق). نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۲۸]. بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۲۰ق). آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. قم، بنیاد بعثت.
- [۲۹]. بیهقی، ابوبکر (۱۴۲۴ق). السنن الکبری. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۳۰]. پاکتچی، احمد (۱۳۹۱ش). نقد متن. تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- [۳۱]. پانی پتی، ثناءالله (۱۴۱۲ق). التفسیر المظهری. کویته، مکتبه رشدیة.
- [۳۲]. نیمی، یحیی بن سلام (۱۴۲۵ق). تفسیر یحیی بن سلام. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۳۳]. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق). تفسیر الثعالبی. بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- [۳۴]. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق). الكشف و البیان. بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- [۳۵]. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن (۱۴۳۰ق). درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم. عمان، دارالفکر.
- [۳۶]. جزایری، ابوبکر جابر (۱۴۱۶ق). ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر. مدینه، مکتبه العلوم و الحکم.
- [۳۷]. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق). أحكام القرآن. بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- [۳۸]. جعفریان، رسول (۱۳۸۲ش). افسانه تحریف قرآن. تهران، امیر کبیر.
- [۳۹]. جمل، سلیمان بن عمر (۱۴۲۷ق). الفتوحات الإلهیة. بیروت، دارالکتب العلمیة.
- [۴۰]. جناتی، محمد ابراهیم (۱۳۸۹ش). «بررسی مبانی فقهی رجم (سنگسار) ثبوتاً و اثباتاً». فصلنامه فقه، دوره ۱۷، شماره ۶۵، صص ۱۲۳-۱۴۲.
- [۴۱]. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲ش). نزهت قرآن از تحریف. قم، اسراء.
- [۴۲]. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). الصحاح. بیروت، دارالعلم.
- [۴۳]. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۴). المستدرک علی الصحیحین. بیروت، دارالفکر.
- [۴۴]. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (۴). تفسیر روح البیان. بیروت، دار الفکر.
- [۴۵]. حکیم، محمدباقر (۱۳۷۸ش). علوم قرآنی. تهران، تبیان.
- [۴۶]. حوی، سعید (۱۴۲۴ق). الاساس فی التفسیر. قاهره، دار السلام.
- [۴۷]. خطیب شربینی، محمد بن احمد (۱۴۲۵ق). السراج المنیر. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۴۸]. خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ق). التفسیر القرآنی للقرآن. بیروت، دارالفکر العربی.
- [۴۹]. خفاجی، احمد بن محمد (۱۴۱۷ق). حاشیة الشهاب المسماة عناية القاضي و كفاية الراضى على تفسیر البیضاوی. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۵۰]. خوبی، ابوالقاسم (۱۴۳۰ق). البیان فی تفسیر القرآن. قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- [۵۱]. دروزه، محمد عزه (۱۴۲۱ق). التفسیر الحدیث. بیروت، دار الغرب الإسلامی.
- [۵۲]. دره، محمد علی طه (۱۴۳۰ق). تفسیر القرآن الکریم و اعرابه و بیانه. بیروت، دار ابن کثیر.
- [۵۳]. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۴ق). تفسیر الراغب الاصفهانی. ریاض، مدار الوطن.
- [۵۴]. ربانی، محمدحسن (۱۳۸۲ش). «گونه های تأکید در قرآن». پژوهش‌های قرآنی، دوره ۹، شماره ۳۵ و ۳۶، صص ۲۹۶-۳۲۱.
- [۵۵]. زحیلی، وهبه (۱۴۱۱ق). التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج. دمشق، دار الفکر.
- [۵۶]. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف. بیروت، دار الکتب العربی.
- [۵۷]. سائیس، محمد علی (۱۴۲۳ق). تفسیر آیات الأحکام. بیروت، المکتبه العصریة.

- [۵۸]. سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۴۱۰ق). سنن ابی داود. بیروت، دار الفکر.
- [۵۹]. سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق). بحر العلوم. بیروت، دار الفکر.
- [۶۰]. سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴ق). الدر المنثور. قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- [۶۱]. شافعی، محمد بن ادريس (۱۴۰۰ق). المسند. بیروت، دار الکتب العلمیه.
- [۶۲]. شاکر، محمد کاظم (۱۳۷۶ش). روش‌های تأویل قرآن. قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- [۶۳]. شنقیطی، محمدامین (۱۴۲۷ق). أضواء البیان فی إيضاح القرآن بالقرآن. بیروت، دار الکتب العلمیه.
- [۶۴]. شوکانی، محمد (۱۴۱۴ق). فتح القدير. دمشق، دار ابن کثیر.
- [۶۵]. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۸۷ش). مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار. تهران، مرکز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط.
- [۶۶]. شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی (۱۴۱۹ق). حاشیه محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر الفاضی البیضاوی. بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۶۷]. صاوی، احمد بن محمد (۱۴۲۷ق). حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین. بیروت، دار الکتب العلمیه.
- [۶۸]. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۶۹]. صدیق حسن خان، محمدصدیق (۱۴۲۰ق). فتح البیان فی مقاصد القرآن. بیروت، دار الکتب العلمیه.
- [۷۰]. صدیق حسن خان، محمدصدیق (۱۴۲۴ق). نیل المرام من تفسیر آیات الأحکام. بیروت، دار الکتب العلمیه.
- [۷۱]. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۵۳ش). قرآن در اسلام. تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- [۷۲]. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). التفسیر الکبیر. اربد، دار الکتب الثقافی.
- [۷۳]. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵ق). المعجم الکبیر. قاهره، مکتبه ابن تیمیه.
- [۷۴]. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت، دار المعرفه.
- [۷۵]. طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۷م). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم. قاهره، نهضة مصر.
- [۷۶]. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق). الإستبصار فیما اختلف من الأخبار. تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- [۷۷]. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۷۸]. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). الخلاف. قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- [۷۹]. عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۱۱ق). حقائق هامة حول القرآن الکریم. قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- [۸۰]. عینی، بدرالدین (؟). عمدة القاری. بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- [۸۱]. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- [۸۲]. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق). العین. قم، نشر هجرت.
- [۸۳]. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۶ق). بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتب العزیز. قاهره، وزارة الاوقاف.
- [۸۴]. قاسمی، جمال‌الدین (۱۴۱۸ق). محاسن التأویل. بیروت، دار الکتب العلمیه.
- [۸۵]. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش). الجامع لأحکام القرآن. تهران، ناصر خسرو.
- [۸۶]. قونوی، اسماعیل بن محمد (۱۴۲۲ق). حاشیه القونوی علی تفسیر الإمام البیضاوی. بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۸۷]. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- [۸۸]. ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق). تأویلات أهل السنة. بیروت، دار الکتب العلمیه.

- [۸۹]. مالک بن انس (۱۴۰۶ق). الموطأ. بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- [۹۰]. ماوردی، علی بن محمد (؟). النکت و العیون. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۹۱]. مجاشعی، علی بن فضال (۴۲۸ق). النکت فی القرآن الکریم فی معانی القرآن الکریم و اعرابه. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۹۲]. مسلم، مسلم بن حجاج (؟). صحیح مسلم. بیروت، دار الفکر.
- [۹۳]. میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش). کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران، امیر کبیر.
- [۹۴]. نسائی، احمد بن شعیب (۱۴۱۱ق). السنن الکبری. بیروت، دارالکتب العلمیة.
- [۹۵]. نسفی، عبدالله بن احمد (۱۴۱۶ق). مدارک التنزیل و حقایق التأویل. بیروت، دار النفائس.
- [۹۶]. نظام الاعرج، حسن بن محمد (۱۴۱۶ق). تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان. بیروت، دارالکتب العلمیة.
- [۹۷]. نووی، یحیی بن شرف (۱۴۰۷ق). شرح صحیح مسلم. بیروت، دار الکتب العربی.
- [۹۸]. هوارى، هود بن محکم (۱۴۲۶ق). تفسیر کتاب الله العزیز. (بی‌جا)، دار البصائر.